

سرتق

یادداشت

ترکیه و آینده مبهم اردوغان

امین نصیری

«رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه در سال‌های اخیر خود را به‌عنوان چهره‌ای بالقوه دیکتاتور در صحنه سیاسی خاورمیانه مطرح کرده است؛ منطقه‌ای که خود مهد پادشاهی‌ها و دیکتاتوری‌های بزرگ تاریخ بوده است. اقدامات او در جهت بنای پایه‌های این حکومت خودورای با برگزاری رفراندوم ۱۷آوریل به اوج خود رسیده، اما به این موضوع توجه نکرده که بستر زمانی دهه‌ها، صدها و هزاره‌های پیشین در‌حال‌حاضر وجود ندارد و این دقیقا همان نکته‌ای ست که نقش اصلی را در شکست پروژه خودرآی‌گرایی اردوغان ایفا می‌کند و باعث می‌شود تا پروژه مدنظر اردوغان منجر به هرج‌ومرج، اختلافات شدید داخلی و در پی آن فقدان تمرکزگرایی شود که تمامی اینها در آینده باعث بروز و تثبیت گونه‌ای متفاوت از نهادهای استعماری می‌شود.

برای درک این موضوع بهتر است به مشابه‌سازی تاریخی و نگاه تطبیقی به برشی از تاریخ روسیه بر مبنای نوشته‌ای از «عجم اوغلو» و «رابینسون» در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» بپردازیم و به مقایسه آن با کنش‌ها و واکنش‌های داخلی ترکیه بنشینیم.

در بسیاری از وقایع تاریخی، روندها به گونه‌ای بوده که تمرکز سیاسی به استبداد بیشتر منتهی شده است. چنین وضعیتی را می‌توان در عفوان شکل‌گیری حکومت روسیه از سوی پتر کبیر که در فاصله ۱۶۸۲ و تا زمان مرگ او در ۱۷۲۵ پایه‌ریزی شد، مشاهده کرد. اقدامات اردوغان تا حد زیادی با اقدامات پتر یکم مطابقت دارد. پتر یکم در ابتدا پایتخت جدیدی در سن‌پترزبورگ ساخت؛ اردوغان هم کاخ «اک سارای» (قصر سفید) را با هزینه‌های سرسام‌آوری بنا کرد و ظواهر پادشاهی را حداقل در اندرونی خود شکل داد که انتقادات گسترده‌ای در پی داشت.

- پتر یکم اشرافیت سنتی با همان بویارها را کنار گذاشت؛ اردوغان نیز به بهانه کودتای جولای ۲۰۱۶ همه کسانی که به طرقی با جنبش «خدمت» (گولنیسم) در ارتباط بودند را دستگیر کرد و حتی «دوستان خود از جمله «عبدالله کل» و «داود اوغلو» را در حزب «اعتدال و توسعه» به حاشیه راند و همان‌گونه که پادشاه تزاری پارلمان اشراف «دومای بویار» را برانداخت، دست به تعیین یک سلسله درجات جدید که جوهره آن خدمت به تزار بود، زد. اردوغان هم با برگزاری رفراندوم ۱۷ آوریل که تردیدهای بسیاری در سلامت آن وجود داشت، اختیارات مجلس بزرگ ملی ترکیه را تا حد زیادی محدود کرد و نظام این کشور را از پارلمانی به ریاست‌جمهوری تغییر داد. (طبق قانون اساسی جدید ترکیه انتخاب وزیران نیازی به اجازه پارلمان ندارد و وزیران به نمایندگان پارلمان پاسخ‌گو نخواهند بود که همین امر منجر به شکل‌گیری نهادهای غیرقانونی و مستبدانه‌ای خواهد شد که نهایتا موجب فساد گسترده و حرکت در مسیر عکس توسعه سیاسی و اقتصادی می‌شود)

برکناری هزاران نفر در سیستم‌های قضائی و اداری و نظامی ترکیه، نخستین نتیجه‌ای که در پی خواهد داشت، ایجاد خلأ و سستی در سیستم‌ها و نهادهایی‌ست که ق قبل از این پابرجا بوده‌اند. همچنین برای پرکردن جای خالی افرادی که تا پیش از این در مسند اجرائی بوده‌اند دولت اقدام به استخدام افراد جدیدی خواهد کرد که اولین ممیزیشان جهت تصدی این پست‌ها نه تخصص که سرسپردگی به اردوغان و تفکر او خواهد بود که نتیجه آن منجر به ایجاد فساد اداری و کاهش بهره‌وری در نهادهای اقتصادی، سیاسی، قضائی و نظامی ترکیه و در پی آن عقب‌گرد این کشور خواهد شد.

اردوغان به‌این‌ترتیب قدرت را از دیگران سلب کرده و همچون پتر یکم و دیگر مستبدان تاریخ آن را در اختیار خود می‌گیرد. اقدامات اردوغان در سال‌های اخیر و سال‌های آینده منجر به شورش‌هایی خواهد شد که نمونه آن در جولای ۲۰۱۶ رخ داد.

به نظر می‌آید اردوغان پروژه تمرکز سیاسی و استبدادی خود را همچون پتر یکم به پیش می‌برد؛ اما قدرت اپوزیسیون اردوغان با گذراندن، برخلاف پیش‌داوری رایج، این وضعیت نتیجه تبلی آنها نیست بلکه حاصل ایرادات مکانیسم مهاجردپذیری خود ماست

که باید در آن تجدیدنظر شود تا با هوشمندانه‌تر عمل کند یا اقدامات هم‌گرایانه را درباره همه پناه‌جویان به شکل یکسانی اعمال کند؛ با این فرض که هر یک از آنها در درازمدت در آلمان ماندنی است. یکی از اشکالاتی که به این رویکرد پیشنهادی گرفته می‌شود، این است که مطلوب‌ترکردن شرایط می‌تواند وسوسه‌برانگیز باشد و حتی به بزرگ‌ترشدن موج مهاجرت به سمت آلمان منجر خواهد شد. باید از این منتقدان پرسید آیا پناه‌جویان خطرات راه را به جان می‌خرند تا به هر قیمت شده به اینجا بیایند و زبان آلمانی بیاموزند؟

گروه اول: گولنیست‌ها
گروه دوم: شامل احزاب مخالف (حزب «دموکراتیک خلق‌ها» و حزب «جمهوری خواه خلق»)

گروه سوم: کردهای معارض، بالاخص حزب کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک)

برای آشنایی با اپوزیسیون اردوغان و شناخت نسبی از میزان قدرت و تأثیرشان بهتر است یک بررسی اجمالی در رابطه با هر یک از این گروه‌ها داشته باشیم.

گولنیست‌ها یا جنبش خدمت:

اردوغان به خوبی از توان بالقوه هواداران «فتح‌الله گولن» واعظ در تبعید آگاه است. این را از شدت و وسعت بازداشت‌های اخیر می‌توان فهمید. اردوغان خود زمانی از این توان و نیرو برای به قدرت رسیدن استفاده کرده است. اردوغان خود به قدرت و نفوذ گولن آگاه است و خودش پرورش یافته مکتب اوست.

مکتب سیاسی و مذهبی گولن، روشی دو وجهی و متوازن دارد. همین توازن حساب شده که لایه‌ای محکم از اعتقادات مذهبی محافظت می‌شود، تاکنون نقش مهمی در پیشبرد اهداف او و سیستم تحت امرش داشته است.

به‌همین‌دلیل کم نیستند تحلیلگران و کارشناسانی که معتقدند امکان حذف و قلع و قمع جریان گولن کاملا خوشبینانه و تقریبا امری بعید به نظر می‌رسد.

ادامه در صفحه ۱۲

آلمانی‌های جدید

مارینا و هر فرید مونکلمر»

بسیاری از آنها که پاییز ۲۰۱۵ به آلمان آمدند ماندگار می‌شوند، عده‌ای درصورتی‌که اوضاع در کشورهایشان مساعد شود، به میهن خود برخواهند گشت، برخی دیگر ناچار به بازگشت می‌شوند زیرا از عهده برآورده‌کردن شروط حقوقی و قانونی لازم برای اقامت در آلمان برنمی‌آیند و بقیه به کشور ثالثی نقل مکان خواهند کرد و آلمان را تنها به‌عنوان یک توقفگاه کوتاه‌مدت در مسیر طولانی مهاجرتشان در یاد خواهند سپرد. ما نمی‌دانیم چه کسانی در درازمدت ماندنی‌اند، قاعدتا خود پناه‌جویان هم این را نمی‌دانند زیرا اساسا ماهیت پناه‌جویی با تردید و ابهام درباره آینده افراد گره خورده است. تصمیم‌گیری و روشن‌کردن تکلیف پناه‌جویان ورودی به آلمان برعهده اداره مهاجرت است که در یک مکانیسم حقوقی آنها را ذیل این گروه‌ها طبقه‌بندی می‌کند:

دارای حق پناهندگی، محروم از حق پناهندگی، برخوردار از حق پناهندگی محدود و مشروط و عده‌ای که باید کشور را ترک کنند اما تا مدتی پیش از آن اصطلاحا حضورشان مجسم می‌شود. این دسته‌بندی طیف اقدامات هم‌گرایانه و میزان بهره‌مندی افراد از آنها را متفاوت می‌کند، از شرکت در کلاس زبان گرفته تا حق دریافت مجوز کار در آلمان. اما سازوکاری که به این ترتیب ایجاد می‌شود موقتی است و اغلب با آنچه متعاقبا تبدیل به واقعیت اجتماعی خواهد شد، همخوانی ندارد. پناهجویانی که حق اقامت دائم در آلمان به آنها داده نشده، عمدتا به دلایل مختلفی ماندگار می‌شوند نمی‌توان آنها را وادار به ترک خاک کرد و حال آنکه نه‌تنها زبان آلمانی نیاموخته‌اند، برای به رسمیت شناخته‌شدن اعتبار مدارک تحصیلی خود اقدامی نکرده‌اند و به منظور واردشدن به بازار کار دوره‌های پیش‌نیاز لازم را نگذرانده‌اند؛ بلکه ما‌ها و سال‌ها ماندن در کمپ‌های پناه‌جویی آنها را به سوی انفعال هم سوق داده و با رسیدگی‌های محدود دولت و امکانات حداقلی روزگار می‌گذرانند. برخلاف پیش‌داوری رایج، این وضعیت نتیجه تبلی آنها نیست بلکه حاصل ایرادات مکانیسم مهاجردپذیری خود ماست

که باید در آن تجدیدنظر شود تا با هوشمندانه‌تر عمل کند یا اقدامات هم‌گرایانه را درباره همه پناه‌جویان به شکل یکسانی اعمال کند؛ با این فرض که هر یک از آنها در درازمدت در آلمان ماندنی است. یکی از اشکالاتی که به این رویکرد پیشنهادی گرفته می‌شود، این است که مطلوب‌ترکردن شرایط می‌تواند وسوسه‌برانگیز باشد و حتی به بزرگ‌ترشدن موج مهاجرت به سمت آلمان منجر خواهد شد. باید از این منتقدان پرسید آیا پناه‌جویان خطرات راه را به جان می‌خرند تا به هر قیمت شده به اینجا بیایند و زبان آلمانی بیاموزند؟

گروه اول: گولنیست‌ها
گروه دوم: شامل احزاب مخالف (حزب «دموکراتیک خلق‌ها» و حزب «جمهوری خواه خلق»)

گروه سوم: کردهای معارض، بالاخص حزب کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک)

برای آشنایی با اپوزیسیون اردوغان و شناخت نسبی از میزان قدرت و تأثیرشان بهتر است یک بررسی اجمالی در رابطه با هر یک از این گروه‌ها داشته باشیم.

گولنیست‌ها یا جنبش خدمت:

اردوغان به خوبی از توان بالقوه هواداران «فتح‌الله گولن» واعظ در تبعید آگاه است. این را از شدت و وسعت بازداشت‌های اخیر می‌توان فهمید. اردوغان خود زمانی از این توان و نیرو برای به قدرت رسیدن استفاده کرده است. اردوغان خود به قدرت و نفوذ گولن آگاه است و خودش پرورش یافته مکتب اوست. حتی سیاسی و مذهبی گولن، روشی دو وجهی و متوازن دارد. همین توازن حساب شده که لایه‌ای محکم از اعتقادات مذهبی محافظت می‌شود، تاکنون نقش مهمی در پیشبرد اهداف او و سیستم تحت امرش داشته است.

ادامه در صفحه ۱۲



گفت‌وگو با جولیان آسانژ:

ویکی لیکس همیشه سرتق خواهد بود

ترجمه: سودابه رخش

عرصه سیاست‌اند. کسی که حقیقت را فدای مصلحت نمی‌کند حتی اگر این حقیقت به روی کار آمدن کسی مثل دونالد ترامپ در ایالات‌متحده منجر شود. او در گفت‌وگوی پیش‌رو با اش‌بیکگل آنلاین به‌صراحت بر این نکته صعه می‌گذارد: «اگر ما سخنرانی هیلاری کلinton را در جمع بانکداران کلدمن ساکس منتشر نمی‌کردیم او می‌توانست پیروز شود؟ باید به نفع یک نامزد اطلاعات را سانسور می‌کردیم؟ ویکی لیکس هرگز چنین کاری نمی‌کند.» در بحبوحه مبارزات انتخاباتی ایالات متحده و افشای ایمیل‌های افراد کمین هیلاری کلinton، بسیاری از دموکرات‌های آمریکایی او را به نزدیکی با ترامپ و افشاکری به نفع این نامزد و دولت روسیه، که از حامیان ترامپ بود، متهم کردند اما اظهارات ماه گذشته جف شسن، دادستان کل ایالات متحده، پاسخ می‌بود به همه این اتهامات: «بازداشت آسانژ، بنیان‌گذار ویکی لیکس، یک اولویت است.» آسانژ ۴۵ساله از سال ۲۰۱۲ و پس از آنکه مقامات سوئد به اتهام آزار جنسی خواستار استرداد او به این کشور شدند. در سفارت اکوادور در لندن پناهنده شد. هفته گذشته دادستانی سوئد پرونده تحقیقات علیه او را مختومه اعلام کرد، هرچند تهدید آمریکا علیه آسانژ همچنان حی و حاضر است. جولیان آسانژ که همواره اتهامات آزار جنسی را رد کرده بود در بالکن سفارت اکوادور حاضر شد و رفغ این اتهامات را پیروزی مهمی خواند. او البته گفت هفت سال بدون هیچ اتهامی، بچه‌هایم بدون من بزرگ شدند، این چیزی نیست که بتوانم ببخشم و فراموش کنم.

آیا ما به سمت دوره‌ای پیش می‌رویم که هر حزبی با هرک‌های بهتر برنده انتخابات خواهد بود؟

نه لزوما، اگر به افشای اطلاعات مکرون نگاهی بیندازیم به روشنی در می‌یابیم که اسناد خیلی دیرتر از این منتشر شدند که بتوانند تأثیری در انتخابات داشته باشند. در این اسناد یک داده جالبش است، جایی به فردی اشاره می‌کند که پیمانکار سرویس امنیت فدرال روسیه است؛ ولی واقعا چرا روسیه باید از این طریق نشان دهد پشت این قضیه است. این یک بازی ذهنی ابلهانه است…

بیانیه اولیه شرح ماوریت ویکی لیکس در سال ۲۰۰۶ می‌گفت: «اهداف اولیه ما رژیم‌های به‌شدت سرکوبگر چین، روسیه و اوراسیای مرکزی هستند.» اما سازمان شما درباره این کشورها اطلاعاتی زیادی به ما نداده است. کاملا غلط است. این تصور اشتباه نتیجه خودبینی غرب و ایالات متحده است. وقتی ما به زبان‌هایی غیر از انگلیسی مطلبی را منتشر می‌کنیم، در نیویورک به آن توجهی نمی‌کنند.

اما خبرهای دست اول شما، مثل اسناد جنگ افغانستان و عراق، ایمیل‌های کلinton با اسناد اخیر سپا، همگی ایالات متحده را هدف قرار می‌دهند.

به این دلیل که ایالات متحده یک امپراتوری با ۷۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان است. روکردن دست آمریکا به نفع کل نیست. وقتی ما دومیلیون و ۳۰۰ سند درباره سوریه، از جمله ایمیل‌های بشار اسد را افشا کردیم، خبر دست اول به حساب نمی‌آمد.

وقتی روسیه کریمه را به خاک خود الحاق کرد، شما در توییتر خود نوشتید که ایالات متحده با سیستم نظارتی گسترده‌اش همه جهان را به خود الحاق کرده است. این عاقلانه است که یک جرم را با جرم دیگر توجیه کنید؟ بی‌خیال. این دیگر یک جور نقل‌قول گزینشی از مواضع من است که مختص روزنامه‌نگار هاست. من منتقد اقدام روسیه در اوکراین بودم. در سطحی استراتژیک قانع بود هم، هم برای اوکراین و هم برای روسیه.

اگر این شانس را داشتید که با افشاکردن اسنادی ولادیمیر پوتین را سرنگون کنید، آیا این کار را می‌کردید؟

ما برای سرنگون‌کردن کسی افشاکری نمی‌کنیم. اگر اسناد معتبر باشند، منتشرشان خواهیم کرد. سانسور را نمی‌پذیریم. به اعتقاد ما لازمه منصف و عادل بودن تمدن بشری، آزادی اطلاعات است.

ما به خاطر خوشایند کسی کار نمی‌کنیم. ویکی لیکس اسناد سازمان‌های قدرتمند را منتشر می‌کند. ویکی لیکس همیشه سرتق بوده و سرتق باقی خواهد ماند

شما انتشار اسنادی را که به کلinton آسیب می‌رساند به تأخیر بینداختید. ما به خاطر خوشایند کسی کار نمی‌کنیم. ویکی لیکس اسناد سازمان‌های قدرتمند را منتشر می‌کند. ویکی لیکس همیشه سرتق بوده و سرتق باقی خواهد ماند

شما انتشار اسنادی را که به کلinton آسیب می‌رساند به تأخیر بینداختید. ما به خاطر خوشایند کسی کار نمی‌کنیم. ویکی لیکس اسناد سازمان‌های قدرتمند را منتشر می‌کند. ویکی لیکس همیشه سرتق بوده و سرتق باقی خواهد ماند

شما برای مردمی که ویکی لیکس را مسئول انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری ایالات متحده می‌دانند چه حرفی برای گفتن دارید؟ ویکی لیکس کاتکتیک‌های کثیف ستاد انتخاباتی کلinton را افشا کرد. برخی رأی‌دهندگان آن را پذیرفتند. آنها آزاد بودند که چنین انتخابی کنند. این حق آنهاست. این دموکراسی است.

کلinton، در مقام وزیر امور خارجه، به دنبال اقدام علیه ویکی لیکس بود. آیا انتشار اسناد حزب دموکرات به نوعی انتقام‌گیری از این حزب نبود؟ این دیگر زبان اجق و وجع سواحل شرق ایالات متحده است. دلیل اینکه ویکی لیکس این کار را دنبال می‌کند این است که یکی مشکلی دارد؟ نه! اما قدری طنز تاریخی پشت آن وجود دارد. کلinton در زندانی‌کردن یکی از منابع ما، چلسی منینگ، دست داشت. ظاهرا عدالت طبیعی تا حدی وجود دارد و دست طبیعت انتقامش را می‌گیرد.

شما از باخت و احساس رضایت می‌کنید؟

...

دارید بختند می‌زنید.

در سطح شخصی احتمالا می‌توانم به‌خوبی با او کنار بیایم. او فرد کارزماتیکی است. تا حدی سخت‌کوش هم هست، مثل خودم. قدری هم بی‌دست‌وپا، مثل خودم. با این حال، یک خطی باید کشیده شود. او تصمیم گرفت کشور لیبی را از بین ببرد. در نتیجه به بحران پناهندگان اروپا دامن زد. ما تعداد زیادی از ایمیل‌های او را منتشر کردیم درباره چگونگی برمالاشدن این داستان. ظاهرا از این اسناد نتیجه‌ای نمی‌شود گرفت جز حکم به اینکه او جنایتکار جنگی است.

مقدمه: پنج سال تمام مقیم اجباری یکی از اتاق‌های سفارت اکوادور بودن هزینه کسی است که چوب لای چرخ صاحبان قدرت می‌گذارد. جولیان آسانژ، روزنامه‌نگار و بنیان‌گذار ویکی لیکس، در طول سال‌های فعالیت خود که به یک دهه هم نمی‌رسد محرمانه‌ترین اسناد بسیاری از دولت‌ها و مقامات دولتی کشورهای مختلف را برملا کرده تا چنان‌که خودش می‌گوید عملکرد دولت‌ها را شفاف کند. آسانژ در کنار دیگر افشاکران سال‌های اخیر نه برای کسب اعتبار و قدرت طلبی، بلکه به بهای نابودی آزادی‌های فردی و منافع شخصی خود و به جان خریدن بهایی هنگفت باب جدیدی را در مبارزه سیاسی باز کردند که تا پیش از این اگرچه نه یکسره محال اما دشوار به‌نظر می‌رسید. فرق آسانژ، در مقام افشاکری بیرونی و کسانی که در درون دمو‌دستگاه قدرت به سازوکارهای فاسد حلقه خود آگاهند، فرق کسی است که می‌داند و برای منافع فردی‌اش آن را به دولت‌مردان می‌فروشد و کسی که می‌داند و آن را به مردم ارزانی می‌کند؛ فرق بین افشای هدفمند اسناد در بازی گروه‌های سیاسی و افشای اسناد در جهت خیر عموم. از همین‌روست که به او لقب «جاسوسی برای مردم» داده‌اند. شجاعت آسانژ، نمود خشم و سرخوردگی از سیستمی است که به‌خاطر کسب‌وکارهای بزرگ و شرکت‌های چندملیتی، همه گروه‌های اجتماعی، قومی و نژادی را هدف قرار می‌دهد و در این راه از همه ابزارهای خود برای پوشاندن اهداف خود بهره می‌جوید. آسانژ و امثال او وصله ناجور نظم جاری این روزهای

آقای آسانژ، وقتی در حین مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته ویکی لیکس ایمیل‌ها و مدارک حزب دموکرات را منتشر کرد، دونالد ترامپ گفت: «من عاشق ویکی لیکس‌ام»، اما در ماه آوریل، مایک پمپئو، رئیس سیا، این سازمان را «یک سرویس اطلاعاتی متخاصم غیردولتی» خواند. آیا دولت ایالات متحده بیکرد ویکی لیکس را آغاز کرده است؟

مردم وقتی ویکی لیکس را دوست دارند که فساد مخالفان‌شان را افشا می‌کند و وقتی فساد یا رفتار خطرناک خودشان را برملا می‌کند مخالف ویکی لیکس می‌شوند. ما هم بی‌کفایتی بی‌اندازه خطرناک سازمان سیا را فاش کردیم و هم برنامه گسترده آنها را برای هک و گروهی از هرک‌ها که در کنسولگری ایالات متحده در فرانکفورت مستقر شده‌اند، حالا، پمپئو، رئیس سیا، حمله متقابل را آغاز کرده است.

او گفت که «این»، منظور ویکی لیکس، «دیگر به پایان رسیده است». این حرف تهدیدکننده‌تر به‌نظر می‌آید.

به نظر من اینکه او تصمیم گرفت ویکی لیکس را موضوع اصلی اولین سخنرانی‌اش در مقام رئیس سازمان سیا قرار دهد خیلی مهم است. به‌خصوص وقتی این را بگذاریم کنار بیانیه دادستان کل آمریکا که دستگیری م رایک اولویت می‌خواند.

هیئت‌منصفه ویرجینیا به غیر از شما از کدام یک از اعضای ویکی لیکس تحقیق می‌کند؟

تا جایی که من می‌دانم، هیئت‌منصفه در حال تحقیق از روزنامه‌نگاران ویکی لیکس سارا هریسون، جوزف فارل و کریستین هرفنسون است. از من و جاکوب ایلپاوم، یکی از حامیان ویکی لیکس، هم تحقیق می‌کند. مقامات ایالات متحده اخیرا گفته‌اند که در حال تعقیب کارمندان ویکی لیکس هم هستند.

جلسی منینگ، سرباز سابق ایالات متحده و مهم‌ترین منبع ویکی لیکس، روز چهارشنبه در پی عفو باراک اوباما بعد از هفت سال از زندان نظامی آزاد شد. آیا او جزئیات همکاری احتمالی با ویکی لیکس را فاش کرد؟

اول اینکه، آزادی او پیروزی شکست‌انگیزی بود که ما و بسیاری دیگر سخت برایش تلاش کرده بودیم. ما به این آزادی افتخار می‌کنیم، هرچند باید به او غرامت و خسارت پرداخت می‌شد نه اینکه صرفا از سسوی باراک اوباما عفو شود. یادتان هست که خوان منذر، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور شکنجه، اعلام کرد منینگ تحت رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز بوده است. او در محاکمه‌اش اظهار کرد با یکی از اعضای ویکی لیکس در ارتباط بوده و برخلاف ادعای پمپئو، رئیس سیا، ویکی لیکس به او دستور نداده است.

اخیرا، شما هدف انتقادهای شدیدی از سوی شمار زیادی از منتقدان و روزنامه‌نگارانی قرار گرفته‌اید که ویکی لیکس را با پروپاگاندا و دروغ‌پرانی روسی در ارتباط می‌دانند.

همه اینها من و درآوردی است. بعد از اینکه هیلاری کلinton در انتخابات پیروز نشد، او و جان پودستا، مدیر کمپین انتخاباتی‌اش، تصمیم گرفتند این باخت را به گردن جیمز گومی، رئیس اف‌بی‌آی، روسیه و ویکی لیکس بیندازند.

اعتبار ویکی لیکس به غیر چنین بودن و نداشتن دستورکار سیاسی پنهانی است.

اعتبار ویکی لیکس نزد مردم به سابقه ما در اثبات درستی اسنادی است که منتشر می‌کنیم. در طول ۱۰ سال ما بیش از ۱۰ میلیون اسناد منتشر کرده‌ایم. کسی نتوانسته ثابت کند حتی یکی از آنها جعلی است. البته که هر منبعی منافع خود را دارد. این قانون بنیادی روزنامه‌نگاری است.

آیا میانجیان را می‌شناسید؟

معمولا برای سنجش اصالت اطلاعات‌مان شناخت بسیار دقیقی داریم. در برخی موارد، این بدان معناست که ما درباره یک منبع تحقیق و شناختمان را از آن بیشتر می‌کنیم.

اگر دولت ایالات متحده می‌توانست ثابت کند مداری را که ویکی لیکس از سازمان سیا منتشر کرده روسیه فرستاده است، به اعتبار ویکی لیکس به‌شدت آسیب می‌رسید. این طور فکر نمی‌کنید؟

این یک فانتزی رسانه‌ای است. موضع رسمی ایالات متحده، همان طور که باراک اوباما در آخرین کنفرانس مطبوعاتی‌اش در مقام رئیس‌جمهور بیان کرد، این است که هیچ‌گونه مدرکی دال بر تبانی ویکی لیکس و روسیه وجود ندارد. مقامات آمریکایی گفته‌اند که به باور آنها اسناد سازمان سیا نه از سوی حزبی دولتی بلکه از یک پیمانکار خصوصی آمریکایی به دست آمده است.